

تعلیمات شگفت دعای مرزداران

دعای مرزداران دعایی بسیار شگفت‌انگیز و در نوع خود بی‌نظیر است. این دعا حاوی معارف، مفاهیم و نکاتی است که به زعم من، مختص به خود بوده و شاید یافتن چنین مجموعه متراکمی از معانی جامع در ارتباط با آن محورهای خاص، در جای دیگری میسر نباشد. نسل ما این دعا را به وفور شنیده است، زیرا در طول هشت سال جنگ، این دعا به طور مداوم از رادیو، تلویزیون و در محافل مختلف پخش می‌شد و با فضای آن دوران سازگاری زیادی داشت. شنیدن مکرر آن، با اوضاع، نیازها و حالات روحی انسان در آن زمان تناسب داشت. اگرچه خوانندگان آن را به یاد ندارم، اما به یاد دارم که با محتوا و مطلب همخوانی درستی داشتند و کلامشان بر جان می‌نشست.

امروز که در حرم بودم، ناگهان به این فکر افتادم که با توجه به نیازهای روز و شرایط اجتماعی کنونی، اولویت اصلی ما باید درک کدام مطلب باشد، و یاد دعای مرزداران به ذهنم خطور کرد. وقتی متن آن را مجدداً بررسی کردم، برایم بسیار عجیب بود؛ گویی برای اولین بار بود که آن را می‌دیدم. انگار که حتی یک جمله آن تکراری نبود. این محتوا که سال‌ها برایم تکرار شده بود، اکنون پس از گذشت بیش از سی سال، باز هم تازه و نو به نظر می‌رسد.

این خاصیت متون قدسی است؛ این متون دارای عمق و بطن هستند، و هر بطنی، بطنی دیگر دارد. در برخی روایات، مانند آنچه درباره قرآن گفته شده، آمده است که هفتاد بطن دارد؛ البته عدد هفتاد به معنای بی‌نهایت و نامحدود بودن معانی است که هر یک عمیق‌تر از دیگری است. یکی از نشانه‌های متن قدسی این است که از یک منبع متعالی و والاتری سرچشمه می‌گیرد و معانی آن پایان نمی‌یابد و تکراری نمی‌شود.

این خاصیت فقط مختص متون مذهبی نیست؛ و لازم نیست شما مومن یا معتقد به دین باشید؛ شما این ویژگی را در برخی متون «زمینی» و غیردینی نیز مشاهده می‌کنید؛ مانند اشعار حافظ، مثنوی، یا حتی برخی رمان‌ها. این نشان می‌دهد که مطلب از سطحی عمیق‌تر در وجود نویسنده تراوش کرده است و از منبع عمیق‌تر از ظاهرش هست.

در بسیاری از موارد، زمانی که مؤلف اثری را خلق می‌کرده، اطرافیان‌ش آن را به‌طور کامل درک نمی‌کردند. به عنوان مثال، در سرگذشت حافظ آمده است که در آن زمان، افراد به شعرگویی بسیار عادت داشتند و استاد حافظ شاگردانش را از اینکه درس و زندگی‌شان را رها کنند و صرفاً به دنبال شاعری باشند، منع می‌کرد. اما استادش روزانه از حافظ می‌پرسید که شعر جدیدش چیست. هم‌شاگردی‌ها تعجب می‌کردند و دلیل این برخورد متفاوت را می‌پرسیدند. استاد

می‌فهمید که در کلام حافظ مفاهیمی فراتر از درک عادی نهفته است و این خود نشانه‌ای است که این محتوا و رای فهم معمولی است، حتی اگر خود شاعر نیز کاملاً از آن آگاه نباشد. شاید اصل و اساس معجزه قرآن نیز همین «بی‌انتها بودن معنا» باشد.

این همان خاصیت متن است که باعث می‌شود وقتی بارها به آن نگاه می‌کنیم، باز هم احساس کنیم با چیزی عجیب و ناشنیده روبرو هستیم. برخی از بزرگان که در این مسیر معارف قوی‌تر بودند، این نکته را صراحتاً بیان می‌کردند و متوجه بودند که این حسن درک و کار است و اگر کسی به این نقطه رسید علامت این است که به درک بالاتری رسیده و علامت این نیست که قبلاً خوب نفهمیده بوده و الان تازه می‌فهمد! برای مثال، مرحوم آقای بهاء‌الدینی گاهی یک آیه قرآن را می‌خواندند، اما طوری سؤال می‌پرسیدند که انگار برای اولین بار است آن را می‌شنوند، در حالی که ایشان استاد برجسته فقه، اصول و علوم مختلف بودند و هیچ کس در برتری علمی‌شان تردیدی نداشت. ایشان در مسیری قرار گرفته بود که مسیرهای رایج را نمی‌پسندید و شهرتی متناسب با شأن علمی‌اش به دست نیاورد، اما همه او را می‌شناختند. با این وجود، وقتی به یک مفهوم جدید می‌رسید، گاهی کلماتی به کار می‌برد که گویی یک فرد عادی تازه آن مفهوم را شنیده است، و گاهی این وضعیت شدیدتر بود؛ گاهی اوقات یک کلمه از سخنان بزرگان دینی، اولیای الهی و معصومین (ع) را می‌گفت، که گویی فردی ملحد در حال بازگشت به اسلام است. مثلاً، اولین تصدیقاتی که یک تازه‌مسلمان درباره پیامبر (ص) بیان می‌کند، گاهی شبیه به کلماتی است که از زبان ایشان خارج می‌شد. این اظهارات در برخی کلیپ‌ها نیز موجود است؛ مانند اینکه (مثلاً) «پیامبر خدا، بازی نبود» یا این سخنان راستین است، و این بسیار شگفت‌انگیز است. این شگفتی، نشانه‌ای از برتر بودن و آسمانی بودن این متون است.

دعای مرزداران متعلق به امام سجاد (ع) و بخشی از صحیفه سجادیه است. زمان امام سجاد (ع)، اوج حکومت بنی‌امیه و تسلط کامل قدرت باطل بود؛ این دوران پس از واقعه کربلا و هم‌زمان با شاخه مروانیان بنی‌امیه است که سیطره‌شان بر جهان اسلام کاملاً تثبیت شده بود، از شمال آفریقا فراتر رفته و به اروپا (اندلس) رسیده بودند. در چنین شرایطی، اهل بیت (ع) در منزوی‌ترین، بی‌کس‌ترین و بی‌یارترین وضعیت خود قرار داشتند، و امام سجاد (ع) برای مرزدارانی دعا می‌کنند که خود در حال حفظ و توسعه حکومت همین حکومت باطل هستند. این بسیار عجیب است! حضرت می‌آیند و این دعای عجیب و غریب، که مانند یک دایره‌المعارف در باب مرزداران حکومت بنی‌امیه است، بیان می‌کنند.

این چه درسی به ما می‌دهد؟ اولاً، حضرت به ما تعلیم می‌دهند که در مقابل یک حکومت، صرف نظر از اینکه

اپوزیسیون باشیم یا موافق، چگونه باید فکر کنیم. اگر اپوزیسیون هستیم، نباید مطالب را با هم خلط کنیم؛ یعنی اینکه حکومت باطل‌ترین حکومت (مثل بنی‌امیه) لزوماً به این معنا نیست که مرزدارانی که در حال حفظ ثغور اسلام و مسلمانان هستند را رها کنیم و بگوییم: «بگذارید این حکومت نابود شود» یا «من چه کار دارم؟ کنار می‌کشم، زیرا هر دو طرف (بنی‌امیه و کفار در مقابل) باطل‌اند، پس چرا باید برای بنی‌امیه دعا کنم؟» حضرت این معارف و دعاها را بیان می‌کنند تا به ما بیاموزند که در قبال وقایع اجتماعی می‌توانیم خطی مشخص بین حق و باطل ترسیم کنیم، اما نباید همه چیز را یک‌سره سیاه و سفید ببینیم یا کلاً کنار بکشیم، یا تماماً دولتی شویم، یا کلاً مخالف گردیم. این نکته، مهم‌ترین تعلیمی است که حضرت به ما می‌دهند، چه ما در موضع مخالفت باشیم و چه در موضع موافقت. سپس، پس از درک این مقدمه، بررسی می‌کنیم که حضرت در ارتباط با مرزداران و لشکریان اسلام چه می‌فرمایند. می‌بینیم که این دعا یک «دایرةالمعارف تعلیمی» است که تمام ابعاد مرتبط با این موضوع را بیان می‌کند. این آموزش شامل مدیریت روانی، روحی، تشکیلاتی و نظامی است؛ انگار که دقیقاً مشخص می‌کند لشکریان باید چه کارهایی انجام دهند، چه اهدافی را دنبال کنند و در چه ابعادی برنامه‌ریزی نمایند. وقتی این مجموعه را در نظر می‌گیریم، گویی چیزی برای دانستن باقی نمی‌ماند. از سوی دیگر، حضرت مجموعه‌ای کامل و جامع از چگونگی ضربه زدن به دشمن را نیز بیان می‌کنند. همزمان با آموزش مدیریت نیروهای خودی (مدیریت روانی، روحی و تشکیلاتی)، نحوه برخورد با دشمن، تاکتیک‌ها و راهبردها، شناسایی نقاط ضعف روانی و لجستیکی آنان نیز به شکلی جامع آموزش داده می‌شود. نکته دیگر این است که همزمان، وظیفه روحی و سلوکی انسان‌هایی که پشتیبان این رزمندگان هستند، توضیح داده می‌شود. برای کسی که در پشت جبهه قرار دارد - مانند ما که نقش مستقیمی در نیروهای نظامی نداریم و در پشت صحنه هستیم، شبیه به مردمی که در زمان جنگ در شهرها حضور داشتند - وظیفه چیست؟ ما چگونه باید رفتار کنیم؟ چه جنبه‌های روحی، فکری و ایمانی مورد نیاز ماست و آن مسیر سلوکی که باید در پیش گیریم، چگونه باید باشد؟

«نکته بسیار مهمی که در این دعا مطرح می‌شود و شاید بتوان آن را محوری‌ترین نکته دانست، تبیین حقایق پیرامون **وقایع جهان** است؛ اینکه پیروزی و شکست چگونه محقق می‌گردد و سرنوشت رخدادهایی مانند جنگ‌ها چگونه شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، این دعا به **ابعاد ماورایی که بر لشکریان اسلام و کفار تأثیرگذار است** و موجب پیروزی یا شکست آن‌ها می‌شود، می‌پردازد؛ اینکه چگونه این نیروها پراکنده یا تقویت می‌شوند. این دعا فراتر از اموری است که در حیطه قدرت ما قرار دارند و به تدارکاتی اشاره دارد که خداوند در جهان و کائنات مهیا ساخته است. بدین ترتیب، معارفی از آن امور بیان شده و نگاه انسان به وقایع هستی را از سطح عادی فراتر می‌برد.

نکته قابل توجه این است که در این دعا، امور زمینی و آسمانی، خودی و دشمن، و مسائل سلوکی و بیرونی در هم مخلوط نمی‌شوند، بلکه مرزبندی دقیق و روشنی میان آن‌ها وجود دارد. به نظر نمی‌رسد دعای دیگری وجود داشته باشد که تا این حد، جامعیت در عین تفکیک این متناقضات را داشته باشد؛ یعنی تا این شدت، مرز میان امور زمینی و آسمانی کشیده شود و در عین حال، هر دو حوزه به بهترین شکل تبیین گردند. این‌ها کلیاتی است که می‌توانم در ارتباط با این دعا (دعای عهد/مرزداران) تقدیم کنم.»